

ایران چندملیتی: استالینیسیم، بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال



احسان هوشمند

فصاسازی رسانه‌های برخی شبکه‌های فارسی‌زبان مانند ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی درباره «چندملیتی بودن»، بیان ادعای تازه‌ای نیست. بر مبنای رویکرد ضدتاریخی وایستگان به اردوگاه استالین در موضوع «مسئله ملی»، ایران‌کشوری چندملیتی است و اقوام و تیره‌های ایرانی هر یک ملت خاصی هستند که در مجموع نه به‌عنوان ملت ایران بلکه در جغرافیایی به‌عنوان ایران مستقر هستند. ملتی به نام ایران موجودیت تاریخی ندارد. کامران متین در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی فارسی و نیز برخی وایستگان به اردوگاه استالین که در قالب احزاب مارکسیستی در کردستان فعالیت مسلحانه داشتند، در ماه‌های گذشته چند نوبت بر انکار ملت ایران و البته القای ملیت‌های ایران و چندملیتی بودن ایران تاکید کرده‌اند. دو نفر از دانشمندان و محققان فاضل کشور، یعنی فیلسوف گرانمایه آقای دکتر جواد طباطبایی و استاد برجسته آقای دکتر حمید احمدی، در این باره مطالبی را قلمی کردند. در ادامه هم مواردی بر نوشته این عزیزان افزوده می‌شود.

۱- تاریخ ایران باستان در دوره پیش از اسلام توسط مورخان و نویسندگان مختلفی در هزاره‌ها و سده‌های پیش مورد توجه قرار گرفته است. اخیلوس ترازدی نویسنده یونانی با پارسیان (ایرانیان)، هرودت یونانی، هراکلیدوس فیلسوف، کزفنون، توسیدید (توکودیدس)، کتزیاس و نویسندگان رومی همچون پولی بیوس، گایوس پلینی، کنت کرتیوس روفوس، تاسیتوس و مورخان ارمنستانی با آثاری همچون تاریخ ارمنیان اثر آگاتانگوس (سده پنج میلادی)، تاریخ ارمنستان اثر موسی خورنی (سده پنج میلادی)، تاریخ ارمنیان اثر پاستوس یوزند (سده پنج میلادی) و تاریخ سبوسن اثر سبتوس (سده هفت میلادی) از جمله کسانی هستند که سده‌های پیش درباره ایران و ایرانیان بسیاری، چه خوب و چه خصمانه، نوشته‌اند. در دوره اسلامی نیز در بسیاری از آثار تاریخی و جغرافیایی این دوره تاریخ ایران باستان مورد توجه قرار داشت. بررسی منابع تاریخی سده‌های مختلف هزار سال اخیر همچون تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری، مروج الذهب مسعودی، شاهنامه تعالی، تاریخ کامل ابن‌اثیر، تاریخ بیهقی، تاریخ فخری ابن‌قطعی، منتخب‌التواریخ دوره گورکانیان، تاریخ یمنی دوره غزنویان، مراتب‌الممالک دوره صفویه، عالم‌آرای شاه‌اسماعیل، زبده‌التواریخ دوره تیموری، راجه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ دوره سلجوقی، جامع‌التواریخ اسماعیلیان، اخبارالاطوال دینوری، حمزه اصفهانی در تاریخ پیامبران و پادشاهان و حتی در این اواخر شرفنامه بدلیسی اشارات و روایت‌هایی درباره ایرانیان به مخاطب ارائه می‌دهند. در این آثار تاریخی، اشاراتی به تیره‌ها، زبان‌ها و مشخصات مناطق مختلف ایران یا ایرانیان از جمله بخشی از اقوام ایرانی شده است. افرادی همچون کامران متین لازم است به یک پرسش اساسی پاسخ بدهند: چرا در این منابع فصول یا بخش وسیعی به تاریخ ایران اختصاص یافته و نه به اقوام ایرانی همچون بلوچ، کرد، آذری، تات، تالش، مازنی و... و اگر این گروه مورد توجه بوده، در ذیل ایران مورد توجه قرار گرفته‌اند؟ پاسخ روشن است؛

ایران دارای تاریخی طولانی از همزیستی ایرانیان است.

۲- وجود مشترکات فرهنگی عمیق و گسترده میان ایرانیان از اسطوره‌های مشترک، نبای مشترک در اسطوره‌ها، جشن‌ها، آیین‌ها، رسوم و سنت‌ها، مشترکات زبانی و ریشه‌های زبانی مشترک تا استفاده وسیع از زبان فارسی و سهم در تکوین زبان فارسی به‌عنوان زبان فرهنگی و تمدنی ایرانیان و حتی درگونگی‌های زبانی و آیینی در گستره چند هزارساله زندگی مشترک نشانگر چه چیزی است؟ تعداد شاعران کُرد پارسی‌گوی در دوره پیش از تولد تجدد در ایران حکایتگر چه رازی است؟ طبری به روشنی چرایی ملت‌بودگی تاریخی ایرانیان را نه بر مبنای نظریه‌های جدید، بلکه در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و تاریخی تشریح می‌کند: «تاریخ سال‌های گذشته جهان از روی زندگانی ملوکشان (ملوک ایرانی) آسان‌تر و روشن‌تر از ملوک اقوام دیگر است؛ زیرا از اقوام منسوب به آدم علیه‌السلام جز ایشان (ایرانیان) قومی نبوده که ملکشان دوام و اتصال یافته باشد و پادشاهان داشته باشند که فراهمشان آرد و در قبال دشمنان حمایتشان کند و بر بیکارجویان چیره شود و ستمگر را از ستمکش بازدارد و به کارهایی وادارشان کند و مایه شوکتشان شود و پیوسته و دائم و منظم باشد و خلف از سلف گیرد. به همین سبب تاریخ از روی زندگی ملوک ایشان درست‌تر و واضح‌تر است». مسعودی هم در روایت دیگری با توجه به مبنای تاریخی و فرهنگی برای تعریف ملت در برخی رویکردهای انسان‌شناسی، می‌نویسد: «میان ایرانیان خلاف نیست که همگی از فرزندان ایرج بوده‌اند و ایرج همان پسر فریدون است و مابینشان معروف و رایج است که از خاندان ایرج هستند. بعضی کسان نیز بر این رفته‌اند که دیگر اقوام ایران و مردم ولایت اهواز از فرزندان عیلامند و میان ایرانیان خلاف نیست که همگی شان از فرزندان کیومرثند و این سخن از همه معروف‌تر است که کیومرث پیش از ایرج پسر فریدون بود و ایرج پسر فریدون همان است که نسب ایرانیان و اعقاب کیومرث بدو می‌رسد». بر مبنای گزارش‌های طبری، تعالی و مسعودی، ایرانیان در لحظه جمعی خود دارای نبای مشترکی بوده‌اند که از داستان آفرینش ایرانیان ریشه می‌گیرد و باور به این نبای مشترک عمومیت دارد. این گزارش با اهمیت تاریخی که به نسبت‌نامه اسطوره‌های ایرانیان پیش از سروده‌شدن شاهنامه فردوسی، آن هم در دوره استیلای خلفای عباسی بر ایران تاکید دارد، نمایانگر وجه روشنی از آگاهی‌های نسبی تاریخی ایرانیان درباره تبار ایرانی خود تلقی می‌شود و مبین تاثیر سازه‌های معنایی مشترک یعنی «اسطوره‌های ایرانی بر شکل‌گیری هویت ملی در ایران در بهینه تاریخ» است. داستان ضحاک و گاوچه که نسبتی با اسطوره‌های مردمان کُرد (به هر معنایی) دارد؟ جشن نوروز رویکردهای چه نسبتی میان ایرانیان و به‌ویژه همسگی، همزیستی، هم‌تباری و مهر‌ریشه‌ای با کردهاست؟

۳- ملت مفهومی نوین است که در ادبیات سیاسی وارد شده است و پیوستگی نظری با مفهوم دولت دارد. در اینجا تکلیف ملت به لحاظ نظری روشن است و سخن گفتن از ملیت‌ها گزافی بیش نیست. اما اینکه چرا این مفهوم به استالین ارجاع می‌یابد، برای یادآوری اشاره می‌شود. مفهومی به نام «مسئله ملی» برآمده از تجربه لنینی-استالینی روسیه تزاری است. در آثار مارکس و انگلس اشارات روشن و مستدلی درباره این‌دست از مفاهیم کمتر یافت می‌شود و تنها تجربه روسیه تزاری که متشکل از سرزمین‌ها و جوامع گوناگونی بود که در چند سده پیش از آن با تسلط تزارها به روسیه ضمیمه شده بودند، نیازمند طرح نظریه برای مواجهه با این تنوع و پیچیدگی عجیب‌وغریب بود. جوامع و فرهنگ‌ها و سرزمین‌هایی که در چند سوی جهان هیچ تجربه همزیستی تاریخی نداشته و اداره چنین سرزمین‌هایی به‌سادگی میسر نبود و به این ترتیب استالین به سفارش لنین، کتاب «مارکسیسم و مسئله ملی» را تدوین کرد و ابتدا در قالب چند مقاله در ۱۹۱۳ منتشر و سپس در ۱۹۱۴ در قالب یک رساله مستقل منتشر شد. مفهوم مسئله ملی و اتحاد داوطلبانه ملت‌های تحت سلطه روسیه برای دستیابی به آرمان دیکتاتوری پرولناریا به‌زودی آزمون خود را در برابر جمهوری‌های قفقاز در سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۱ پس داد. اما این آزمون منجر به آن نشد که مارکسیست‌های ایرانی برآمده از مهاجرت به قفقاز، این مفهوم را ابتدا در قالب حزب کمونیست ایران و فرقه عدالت و سپس حزب توده و بعدها دیگر احزاب مارکسیستی-استالینی به ایران وارد کنند. بدون آنکه به ملرومات نظری آن توجه کنند که اگر تناسبی داشت برای روسیه تزاری و شوروی سابق بود نه شرایط متفاوت دیگر ملت‌ها از جمله ملت ایران و به قول یکی از



انجمن‌های ایرانی در یادبوده در آن دوره «ملت قدیمه ایران». ورود این مفهوم استالینی به ایران البته پرهزینه بود و به قیمت جان هزاران نفر در پی هژمونی سیاسی در کشور بود؛ اما تناسب‌نداشتن این مفهوم با شرایط ایران به شکست آن انجامید. تنها بر اثر رقابت و درگیری گروه‌های کُرد مستقر در مناطق کردنشین غرب کشور در سال‌های ۱۳۵۸ به بعد یعنی درگیری و کشت و کشتار میان دموکرات و کومله و زرکاری و فدایی اقلیت و خبات و دیگر احزاب چه تلفاتی از جوانان منطقه گرفته شد؟ چقدر زخمی؟ چند نفر هستی‌شان نابود شد؟ چند ده نفر؟ چند صد نفر؟ چند هزار نفر؟ آیا درباره تاریخ خونین این رویدادها کسی پاسخ‌گو بود؟ بازگرداندن ایران و کردستان به آن شرایط مدینه آرمانی این دسته است؟ آری ایران می‌تواند چندملیتی باشد؛ اما این مفهوم چنان پیش می‌رود تا جایی که هر روستا و چه‌بسا هر نفر یک ملت است و جنگ همه با هم برای رسمیت ملت!

۴- ایرانیان با زبان‌های مختلف و گویش‌های متنوع و البته همزیستی تاریخی و اشتراکات فراوان، تجربه پیچیده‌ای را در تاریخ طولانی پشت سر گذارده‌اند و زبان فارسی به‌عنوان میراث مشترک تمدنی ایفاگر نقش تمدن‌سازی و فرهنگی بزرگی بوده است. این زبان البته عرصه را برای زبان‌های متنوع تنگ نکرده بود. تکوین زبان فارسی هم مدیون همه ایرانیان از جمله نویسندگان و شاعران آذری و کرد و سیستانی و تات و تالش و دیگر ایرانیانی است که پارسی‌گوی و پارسی‌نویس بوده‌اند.

۵- البته در ایران امروز توافق جامع درباره زبان‌های موجود در کشور نیست. بنا بر برخی مطالعات جدی تاکنون بیش از ۵۰۰ گونه زبانی در ایران شناسایی و اگر این مطالعات تکمیل شود، پیش‌بینی می‌شود تعداد گونه‌های زبانی در ایران به حدود هزار و ۵۰۰ گونه زبانی بالغ شود. اگر زبان برای مارکسیست‌ها و قوم‌گرایان ملاک تعریف ملیت است؛ یعنی در ایران بیش از هزار ملیت زندگی می‌کنند. آیا ایران کشور هزارملیتی است؟ چرا نیست؟ اگر قرار باشد تعریف زبان در کانون باشد یا شاخص مکان هم اضافه شود یا شاخص‌های دیگری مانند برخی عناصر فرهنگی خاص، آن‌گاه می‌توان به حداقل هزار تا هزار و ۵۰۰ ملت در ایران رسید؟ در این شرایط سنگ روی سنگ بند می‌شود؟

اما برای اینکه ابعاد دیگری از این موضوع روشن شود، چند نکته دیگر را یادآوری می‌کنم. نخست آنکه بسیاری از مردمان ایران تجربه تغییر زبانی را در سده‌های اخیر یا گذشته داشته‌اند. بخش بزرگی از شقاقی‌ها اگرچه امروز به ترکی آذری سخن می‌گویند؛ اما کُرد هستند. بسیاری از طوایف بلوچ در مینا کُرد هستند و بسیاری دیگر از ممسنی فارس همان‌گونه که بخشی از سیستانی‌ها از ریشه طوایف ممسنی هستند، ریشه شاهسون‌ها لاقال برخی از آنها کُرد است و البته نام گلباغی یکی از طوایف کُرد نیز ترکی است. آقاجری‌ها امروزه

بختیاری و فارس‌زبان هستند و اصل‌شان از ترکمان‌های آتاتولی، عرب‌های کمری هم امروز بختیاری هستند؛ اما در گذشته عرب و در اعراب آل خمیس نیز گروهی تبار بختیاری و لری دارند. مرزبندی زبانی در ایران ازلی نیست. بسیاری از نقاط ایران هم چندزبانه است. و البته تنوع ابعاد دیگری دارد. بلوچ‌ها چند زبان در میان‌شان جاری است و مردم کُرد هم چند زبان. برای یادآوری می‌گویم. در درگیری‌های نظامی پس از انقلاب در مناطق کردنشین غرب کشور، بخش بزرگی از کسانی که از آنها به‌عنوان شهید یاد می‌شود که در برابر دموکرات و کومله و دیگر جریان چپ مارکسیستی و سوسیالیستی کشته شدند، کُرد بودند. آمار تفکیکی آن را در جایی پیش‌ازاین منتشر کرده‌ام؛ چون مردم کُرد با سنی هستند یا شیعه (در ایران اکثریت نسبی با شیعیان) و گروهی نیز اهل حق. حداقل سه زبان هم در میان کردهای ایران با چندین گویش و چندین لهجه رواج دارد. جامعه باری با اهل حق بنیان آیین‌شان ایران است. افزون بر مختصات فرهنگی ایران زمین، چون سلطان سهاک یا سلطان اسحاق در کتاب سرانجام هدف از مبعوث‌شدن خود را نجات ایران می‌داند. آیا این گزاره برای تجزیه‌طلبان قابل فهم است؟ قرار است در دوره فعالیت آنان بارسان را به خاطر آیین‌شان قتل‌عام کنند؟ البته این پرسش‌ها را می‌توان از تجزیه‌طلبان و قوم‌گرایان افراطی پرسید آیا این گروه‌های مسلح قرار است کردهای سنی مذهب معتقد، کردهای شیعه و نیز طریقت‌های معزز دینی نقشبندیه و قادر به از دم تیغ بگذرانند؟ در این باره سخن بسیار است؛ اما تنها به یادآوری کشتار در اوش سپه زرکاری و علاقه‌مندان شادروان شیخ عثمان کشبندی در سال ۱۳۵۸ به دست کومله پرداخته می‌شود که هنوز ابعاد متنوع آن مورد بازبینی تاریخی قرار نگرفته است! البته گروهی از افراطی‌های مذهبی و سیاسی که امروز رنگ عوض کرده‌اند، در خونریزی‌های مشابه سهم داشتند و امروز از ملیت‌های ایرانی سخن می‌گویند. تاریخ بر این موضوعات نور خواهد تاباند. دوم آنکه نخستین متون یافته‌شده در غرب کشور به گورانی و هورامی است. در این متون به‌ویژه متون پهلوانی هم حماسه‌های ایرانی شاید از نظر زمانی پیش از سروده‌شدن شاهنامه حکیم طوس، جای خاصی به ایران و اسطوره‌های ایرانی داده شده، نام ایران در برزنامه گورانی و شاهنامه کردی بیش از شاهنامه حکیم طوس یعنی بیش از هزار بار تکرار شده است؟ این داعیه‌داران استالینیسیم چه برداشتی از متون دارند؟ این تاکید بر ایران و ایرانیت در متون حماسی غرب کشور چه معنایی دارد؟

آیا ایران مانند روسیه تزاری برآمده از استعمار و تجاوز در چند صد سال اخیر است؟ آیا در نظر این دسته از تحلیلگران بی‌بی‌سی فارسی و ایران اینترنشنال قرار است مثلاً در حوزه کردی‌زبان سورانی یا زبان کرمانجی یا زبان گورانی کدام‌یک به‌عنوان زبان معیار بر دیگر زبان‌ها «تحمیل» شود؟ آیا سخن گفتن از زبان‌های گورانی و هورامی به‌عنوان تفرقه‌افکنی در میان مردم کُرد است؛ اما سخن گفتن از ملیت‌های ایرانی تفرقه‌افکنی در میان ایرانیان نیست؟ در این روزها گروهی در خارج از کشور از سر کینه نسبت به جمهوری اسلامی به دشمنی با ریشه و تبار و تاریخ و فرهنگ ایران و همزیستی ایرانیان مشغول شده‌اند و بر شاخ نشستن و بن بریدن را پیشه کرده‌اند. آزمون آنچه در سال‌های ۱۳۵۷ به بعد بر ایران و بخش‌هایی از غرب کشور گذشت، دوباره آزمون خطا است. همه زبان‌های ایرانی بخشی از میراث گران‌قدر ایرانیان است. همه مذاهب موجود در کشور بخشی از میراث آیینی و دینی ایرانیان است. همزیستی ایرانیان وجه دیگری هم دارد، درهم‌آمیختن میلیون‌ها ایرانی به‌ویژه در تاریخ معاصر. حدود ۴۵ میلیون مهاجرت در کشور روی داده و میلیون‌ها نفر فرزند ازدواج ایرانیان با زبان‌های مختلف و ادیان و مذاهب گوناگون هستند. خط‌کشی زبانی در ایران مانند تجربه عراق پاسخ نمی‌دهد؛ ایران کشوری تاریخی است و پیوند ایرانیان وجهی پیچیده، تاریخی، تمدنی، فرهنگی، زبانی و اجتماعی دارد. مسائل امروز ایران راه‌حلی به جز گفت‌وگو بر مبنای ایران واحد ندارد.

شرکت نفت و گاز پارس

سازمان کسترش و نوآوری صنایع ایران

سازمان کسترش و نوآوری صنایع ایران

افتتاح آخرین پالایشگاه گازی پارس جنوبی

۵۵ سال سابقه و تجربه در توسعه صنعتی کشور

دو دهه تجربه و تلاش در اجرای پروژه‌های نفت، گاز و انرژی

پارس جنوبی

ایرانی‌ترین

فاز پارس جنوبی

باراهبری ایدرو

فاز ۱۴ پارس

اهداف طرح:

- تولید روزانه ۵۶/۶ میلیون متر مکعب گاز غنی
- تولید روزانه ۷۵ هزار بشکه میعانات گازی
- تولید سالانه ۱ میلیون تن گاز مایع LPG
- تولید سالانه ۱ میلیون تن اتان به منظور تأمین خوراک واحدهای پتروشیمی
- تولید روزانه ۴۰۰ تن گوگرد

شرکت مدیریت طرح‌های صنعتی ایران